


ده دقیقه‌ها

کتاب، مادر تمدن‌ها
و نیز عصاره آن‌ها است

بعد از ۱۰ روز مطالعه‌ی ۱۰ دقیقه‌ای
قدم رو پُر کنید و بفروستید
به آیدی ارتباطات 



دنیای دیدنی

زیبایی‌ها را از زبان امام جعفر صادق علیه‌السلام

بخوانید:

کمی درباره‌ی اعضای بدنات و کاربرد و تدبیر آنها
فکر کن. همه‌شان برای یک هدف مشخص و نیازی
آفریده شده‌اند. دست‌ها برای کار کردن، پاها برای راه
رفتن، چشم‌ها برای دیدن، دهان برای غذا خوردن،
معهده برای هضم کردن، جگر برای جدا کردن اخلاط
بدن و جاهایی برای بیرون رفتن فضولات و اضافه-
های غذا. تعجب می‌کنم از بعضی‌ها که می‌گویند

این‌ها کار طبیعت است، نه خدا! از آنان بپرس آیا
این طبیعت که شما می‌گویید، این قدر علم و توانایی
دارد؟! اگر بگویند دارد، پس پذیرفته‌اند که خدایی
وجود دارد که البته او را «طبیعت» نام
گذاشته‌اند؛ چون طبیعت که شعور و اراده‌ای ندارد
که کاری از دستش بر بیاید. اگر هم بگویند که
طبیعت علم و اراده ندارد، پس چگونه می‌توانند
بپذیرند، طبیعتی که شعور و فهم ندارد می‌تواند این
کارهای منظم و دقیق را پیش ببرد؟!!

جنین در رحمِ مادر است؛ جایی است که چشمی آن
را نمی‌بیند و دستی به آن نمی‌رسد. در چنین جایی،
خدای مهربان، تدبیری می‌کند تا او به صورت کامل
و با خلقتِ تمام و اعضای متناسب به دنیا بیاید. هر
چه مورد نیاز بدن است، از اعضا و جوارح و اعضای
داخلی بدن، استخوان و گوشت و چربی و مغز و
رگ‌ها و غضروف‌ها، خدا برایش می‌رویاند. وقتی او پا
به جهان بیرون گذاشت، همه‌ی اعضایش تا پایان
عمر به صورت متناسب رشد می‌کند. آیا چنین
نظمی جز لطف و حکمت و تدبیر خدای توانا است؟
خدا انسان را به بهترین شکل آفریده. می‌تواند راست

بایستد و درست بنشینند. با دست‌ها و پاهای خود
کارهایش را به دقت انجام دهد. فکر کن اگر مثل
چهارپایان به رو افتاده بود، نمی‌توانست هیچ یک از
کارهایش را پیش ببرد. کسانی که فکر می‌کنند
جهان آفریدگاری ندارد، از فهم و دریافت حکمت‌های
خدا در آفرینش مخلوقات گوناگون و رنگارنگ در
دریا و صحرا و کوه و دشت ناتوان‌اند.

کسی که نابیناست، از پیش پای خود خبر ندارد و
مقابلش را نمی‌بیند. نه رنگ‌ها را می‌شناسد و نه

بین زشت و زیبا تفاوتی می‌فهمد. اگر چاله‌ای سر
راهش باشد یا کسی سر راهش را بگیرد، نه می‌بیند
و نه می‌فهمد. نه می‌تواند بنویسد و نه می‌تواند
کارهای ظریفی مثل درودگری و زرگری کند. کسی
هم که ناشنواست، از لذت گفت‌وگو و شنیدن
صداهاى دلربا و آهنگِ خوش طبیعت محروم است.
مردم نیز از گفت‌وگو با او ناتوان‌اند. او از اخبار و
رویدادهای اطرافش بی‌خبر است. انگار در میان جمع
غایب است و گویی زنده‌ای است میان مردگان.
انسانی هم که عقل ندارد، مانند حیوانات است. حتی
حیوانات، بسیاری از خیر و مصلحت‌های خود را

می‌فهمند، اما دیوانه‌ها، همان را هم نمی‌توانند
بفهمند. می‌بینی خدای مهربان، چگونه اعضا و
جوارح و عقل و حواس و مشاعر انسان را که ضرورت
زندگی اوست، در او و برای او آفریده است. این‌ها
همه دلیلی است بر اینکه همه‌چیز به تقدیر و تدبیر
خدایی آفریده شده‌است که دانا و آگاه است. حالا
این که می‌بینی بعضی از مردم نابینا و ناشنوا به دنیا
آمده‌اند و بعضی حواس مورد نیازشان را ندارند،
می‌دانی برای چیست؟ برای تربیت و موعظه‌ی
دیگران و خود او است. این‌ها اگر صبر پیشه کنند و
به خدا توجه کنند، خدا در جهان آخرت، آنقدر ثواب

و پاداش های بزرگ آن‌ها کرامت می‌کند که اگر باز
هم به دنیا برگردند، دوست دارند از این نعمت
دنیا بی بهره باشند!

می‌دانستی حیوانات، وقتی هنگام مرگشان می‌رسد،
خودشان را پنهان می‌کنند؟! جالب است تعداد و
تنوع حیوانات در طبیعت، از وحشی بگیر تا پرندگان
و چرندگان، بسیار زیاد است. جمعیتشان چندین
برابر جمعیت انسان‌هاست و در صحرا و کوه و جنگل
پراکنده‌اند؛ اما هیچ وقت توی کوچه و صحرا و

جنگل، لاشه‌ای از این حیوانات را نمی‌بینی! گله‌های
آهو و گوزن و بز وحشی و انواع درندگان، از شیر و
پلنگ و گرگ تا انواع حشرات زیرزمین و روی زمین
و فوج‌های پرندگان از کلاغ و کبوتر و اردک و غاز و
پرندگان شکاری، هیچ وقت ازشان مرده و جنازه‌ای
نمی‌بینی؛ مگر گاهی در مواردی که شکارش کرده
باشند یا درنده‌ای او را پاره کرده باشد. حیوانات
وقتی نشانه‌های مرگ را در خود احساس می‌کنند،
می‌روند و می‌گردند و در جاهایی از زمین و
سوراخ‌ها پنهان می‌شوند و آن‌جا می‌میرند. این را
خدای حکیم در آفرینش آنان قرار داده است. چون

اگر این طور نبودند، باید صحراها همیشه پر بود از
لاشه‌ی جانوران و بوی گند جنازه‌شان. طبیعت
چندش آور می‌شد و بیماری‌های گوناگونی را هم به
دنبال می‌آورد. انسان هم به همین دلیل، جنازه‌ی
مردگان‌ش را دفن می‌کند. انسان برای نخستین بار
دفن کردن مردگان را از کلاغ یاد گرفت. دو کلاغ در
برابر چشم او، با هم درگیر شدند و یکی دیگری را
کشت و بعد هم دفنش کرد و انسان از او آموخت.

شاید کسی بپرسد: حکمت بلاهایی مثل سوختن و غرق شدن در سیل و زلزله چیست؟ در این ها هم خدای دانا، مصلحتی داشته است. آدم‌های خوب وقتی گرفتار این بلاها می‌شوند، از دنیا و سختی‌ها و تکالیف آن راحت می‌شوند. آدم‌های بد وقتی گرفتار این بلاها می‌شوند، بعضی از گناهانشان سُسته می‌شود و از ادامه‌ی زندگی گناهکارانه‌ی خود بازمی‌مانند. خالق دانا و توانای حکیم، همه‌ی این‌ها را بنا بر مصلحت و برای خیر و منفعت بنده‌هایش ایجاد کرده است. یک مثال برایت بزنم. اگر باد، درخت تنومندی را بیندازد، ظاهرش این است که

زندگی یک درخت پایان یافته و دیگر نمی‌توانیم از
برگ و میوه‌اش استفاده کنیم؛ حالا اگر یک نجار
وارد و کاربلد، از چوب آن درخت، در و پنجره بسازد
یا تبدیل به ستون و سقف خانه کند، آن ضرر را به
نفع تبدیل کرده است. خدای مدبر دانا هم مشکلات
و بیماری‌هایی را که به جان و مال مردم می‌افتد،
همه را تبدیل به خیر و منفعت می‌گرداند. اگر همین
بیماری‌ها و گرفتاری‌ها نبود و مردم همیشه در
تندرستی و رفاه و سلامت بودند، مدام سراغ گناهان
می‌رفتند و بدکاران در انجام ستم و گناه زیاده‌روی
می‌کردند، و نیکوکاران هم در عبادت و خوبی به

دیگران سهل انگاری می کردند. این حوادث، انسان را می ترساند و مانع از آن می شود که معصیت و گناه کند. این حوادث به انسان یادآوری می کند که به سوی رشد و صلاح حرکت کند. همان گونه که در زمان های گذشته، اقوامی بودند که آن قدر گناه و طغیان کردند که خدا ناچار زمین را از وجود آنان پاک کرد.

جای خالی را با کتاب پر کنید

خیلی از دوستانمون هستن که دلشون میخواد

مثل همه‌ی ما کتاب بخونن ...

اما شرایط تهیه و خرید کتاب رو ندارن:

می‌خواهیم با کمک شما براشون کتاب بفرستیم.

شما هم می‌تونید تو این راه کمک‌مون کنید.

فقط کافیه وارد درگاه بشید و مبلغ مورد نظرتون

رو واریز کنید، بعدش هم فیش واریزی رو

برامون بفرستید اینجا: @p_namaktab

@namaktab_ir

